

## فصلی نوین برای تفاهم ادیان

احمد ترابی

دین از جمله مفاهیم و واقعیت‌های زندگی بشر در طول تاریخ است که همواره نقش مهمی را در زندگی افراد و جوامع ایفا کرده است.

نقش آفرینی دین در عرصه حیات فردی و اجتماعی ملتها، هر چند متناسب با شرایط، اقتضاها و ضرورت‌های تاریخی، فرهنگی، اقتصادی و... متفاوت بوده است؛ اما در مجموع حتی دین ناباوران نیز ناگزیرند بپذیرند که عنصر دین بخش عظیمی از زندگی انسانها را تحت تأثیر خود داشته است.

با این وجود، در دو - سه قرن اخیر نشانه‌هایی پدیدار شد که حکایت از حرکت رو به افول دین در ساحت زندگی انسان داشت و تحلیل گران مسائل اجتماعی و نظریه پردازان مباحث علوم انسانی - برخی مشتاقانه و گروهی دردمندانه - عصر ایمان را سپری شده تلقی کرده، برخی نوید و گروهی هشدار دادند که از این پس، خدا، ایمان، ادیان و باورهای دینی، نقش عمده و درخور اهمیتی را در زندگی انسانها و جوامع بر عهده نخواهند داشت، بلکه دانش تجربی و یافته‌ها و روشهای نوین علمی برای بشر تعیین خواهد کرد که چگونه بیندیشند و چگونه زندگی کنند.

این خوش باوری و این نگرانی در حیطه محاسبات بشری، بسیار طبیعی می نمود؛ اما دو معیار و داور دیگر وجود داشت که به هر دلیل در این داوری تاریخی به مشورت و نظرخواهی گرفته نشده و یا اظهارنظر آن دو در نتیجه گیری نهایی مورد توجه قرار نگرفته بود.

الف. داوری تجربه‌های مکرر تاریخ درباره رویارویی دیرپای ایمان و کفر.

ب. داوری و پیش بینی آزموده خود ادیان درباره رویارویی ادیان و منکران در گذشته و آینده تاریخ.

این دو داور، هر چند به صورت منفرد و جدا از هم و متکی بر منابع متفاوت داوری کرده اند، اما به شکلی می توانند در جمع بندی نهایی و اظهارنظر کلی به یکدیگر یاری رسانند و هر یک به تأیید دیگری روی آورند.

اینکه چرا در عصر روشنگری و در روزگار دانش پژوهی و ژرفکاو، داوری های تاریخ و ادیان نادیده یا بی اعتبار تلقی شده است، به عوامل و زمینه هایی باز می گردد که از آن جمله می توان به خصلت تهاجمی کفر و منشهای کافران اشاره کرد.

پدیده های مهاجم مانند: سیل، زلزله، طوفان و پدیده هایی از این دست که برای زندگی آرام و روزمره بشر، تهدیدی جدی بوده اند و ذخائر و دستاوردهای دراز مدت را یکباره به کام نابودی می سپرده اند، معمولاً از ویژگی سرعت، غافل گیری و جنبه تهاجمی برخوردار بوده اند و بخش مهمی از ویرانگری آنها مربوط به همین ویژگی بوده است.

وقتی طوفانی سهمگین وسعت یک شهر را در بر می گیرد و گردبادی نیرومند خانه ها را در هم می کوبد و اشیاء سنگین را از زمین بر می کند و بالا می برد و فرسنگها آن سو تر می افکند، به طور معمول افرادی که در برابر چنین پدیده ای قرار می گیرند همه چیز را پایان یافته می بینند و چه بسا برای آنها برآستی همه چیز پایان یافته باشد! اما هستی، طبیعت، زندگی انسان در پهنه زمین، هرگز با

چنین تندبادهایی پایان نیافته و زندگی به رغم هزاران هزار تندباد و گردباد عظیم، بر پهنه گیتی همچنان تداوم یافته است.

حاکمیت‌های کفر پیشه ای چون نمرود و فرعون، و مکتبها و فلسفه های ماده گرا و سفسطه آمیزی چون مکاتب ماتریالیستی و از آن جمله تجربه گرایی افراطی و دستاوردهای گونه گون اعتقادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی آن، در گستره تاریخ، همواره با هجوم و براندازی آغاز کرده اند، ولی پس از سپری شدن دوران خروش آنها، جوامع بشری به حالت عادی و آرامش طبیعی بازگشته و راه زندگی و ایمان و ادیان با گذر از تنگناها، ستیزها، تهدیدها و چالشها و پس از تحمل دشواری ها تداوم یافته است.

چه بسا سخن امیر اندیشه بیان که فرمود: «للاحق دولةٌ و للباطل جولةٌ» (غررالحکم/۷۳۱۷) اشاره به همین معنی داشته باشد که باطل هر از چندگاهی، جولان و عرض اندامی به ظاهر چشم گیر دارد، ولی دولت پایدار از آن حق است.

این کلام الهی نیز می تواند ناظر به معنای یاد شده باشد که فرموده است:

«یریدون لیطفئوا نور الله بأفواههم و الله متمّ نوره و لو کره الکافرون»

صف/۸

تلاش برای به خاموشی نشانیدن نور ایمان و ناباور ساختن شجره ادیان، با شبهه افکنی، تبلیغ و هم آوایی منکرانه و دین ستیزانه، تلاشی است مستمر که در برابر مؤمنان صورت می گیرد؛ ولی خداوند با اکسیری برتر و نورآیین و چشم نواز و روشن، دلها را بر حقیقت ایمان پایدار می دارد؛ هر چند این خوشایند دین ناباوران و حقیقت پوشان نباشد.

اکنون از پس یک برهه دین ناباوری که بر بخش قابل توجهی از افکار سایه افکنده بود، دستاوردهای نارس دانش تجربی و محدودیتها و خشونت‌های صنعت و فن آوری و لوازم ماده گرایی و مادی نگری، از هجوم جبهه انکار کاسته است و طغیان فزونخواهی دنیامداران و انبوهی یأس و سرخوردگی توده ها و پدیدارشدن نشانه های جنگ تمدن ها، دلها را به سمت جان پناهی امن و ایمانی آرامش بخش فرا خوانده و به بازنگری و بازیابی حقیقت در متن ادیان واداشته است، و منادیان گفت و گوی ادیان، ارج و منزلت یافته اند و گوشها و اندیشه های فراوان مشتاق شنیدن پیام آنان شده است.

البته، تا زمانی که بلوک شرق در برابر بلوک غرب به عنوان یک رقیب

سیاسی و نظامی عرض اندام داشت، به دلیل ماهیت الحادی و دین ستیز نظام کمونیستی، نظام سرمایه داری غرب به عنوان حاکمیت سیاسی، اقتصادی و نظامی از ترویج دین و باورهای دینی به منظور دفاع فرهنگی و ذهنی در برابر دشمنان حمایت می کرد، اما از آن هنگام که حاکمیت غربی با تکیه به نیروی فن آوری، اقتصادی، نظامی و تبلیغی، خود را بی رقیب یافته و به احیای نظامی نوین، متکی بر تک اربابی در دهکده جهانی همت گمارده است، ماهیت برخی از آموزه های دینی را ناسازگار با اهداف، منافع و موجودیت خود یافته و جبهه ای تازه علیه فرهنگهای دینی گشوده است.

آنچه امروزه در برابر قدرت بی مهار صاحبان اقتدار جهانی مسأله آفرین شده و چالشهای فراوانی را به وجود آورده باورهای دینی است؛ زیرا جز باورهای دینی همه سنگرهای علمی، اقتصادی، نظامی و خبری، تحت سلطه و دست کم تحت مدیریت جهان خواران در آمده است. و تنها سنگر فتح نشده

مقاومت وجدانها، عواطف و اندیشه ها، سنگر ایمان و پایگاه ایمان است که انتظار می رفت دیر زمانی فتح شده باشد و نسلهای امروز در قالب تورهای علمی، به سیاحت ویرانه ها و دژهای تسلیم شده آن نشسته باشند! اما ناباورانه - به حکم سنتی الهی - نه تنها آن را ویرانه نیافته اند که یگانه پایگاه برجای مانده مقاومت شناخته اند!

بگذریم از افراط گری هایی که به نام پایگاه دین انجام گرفته و می گیرد، تا به دین ناباوران و سلطه های اقتدارطلب و تمامت خواه جهانی برای هجوم و درگیری بهانه دهند، اما در مجموع طلایه های عصر شکوفایی ایمان و معنویت در کرانه های این نسل - هر چند با ویژگیهای خاص آن - دیده می شود و این مناسب ترین فرصت برای اندیشمندان و متفکران و مصلحان بشری است که با همتی وافر به بازشناسی ره آوردهای بنیادی ادیان پرداخته و با پیوند دادن بخشهای هم ساز و هم آهنگ ادیان، رشته ای محکم پدید آورند و نسل سرخورده از رفاه و خسته از تنوع و سرسام گرفته از سرعت و ناکام در عرصه هدف یابی و تشنه آرامش و اطمینان و امنیت را دستمایه ای از امید و ایمان و اخلاق بخشند.

### چگونگی تعامل ادیان در گذشته

منظور از ادیان، عالمان دینی و پیروان ادیان هستند، چه اینکه خود ادیان، منهای تفسیر و تأویل و برداشتهایی که متدینان از متون دینی خود سامان می دهند، تعامل همه جانبه با یکدیگر ندارند، بلی اسلام به دلیل تأخر زمانی که نسبت به ادیانی چون مسیحیت و یهودیت دارد، در بسیاری از آیات قرآن، نگاهی به آموزه های منتسب به آن دو دین داشته است، بخشی را پذیرفته و برخی را غیر اصیل و تحریف شده دانسته اند؛ اما انجیل و تورات مجال چنین داوری و اظهارنظری را درباره قرآن نداشته اند؛ در حالی که اگر تعامل ادیان را به معنای تعامل و مناسبات عالمان و معتقدان به ادیان بدانیم، در آن صورت، رفتار و مواضع و نگرشهای متقابل را از هر دین در برابر سایر ادیان شاهد خواهیم بود.

قاعده و اصل کلی که می توان از آموزه های ادیان؛ چه ادیان آسمانی مانند اسلام، مسیحیت، یهودیت و آیین زرتشت، و چه ادیان بزرگی که در سرزمین هند و چین از پیروان زیادی برخوردارند به دست آورد، حرمت و کرامت انسان، ارزش مهرورزی و رحمت و دوستی و اهمیت صلح و خیرخواهی و هدایت طلبی برای انسانها است. اینها در حقیقت درون مایه های سرشت آدمی است که بر اساس آن جذب زیبایی ادیان می شود و به آنها دلبستگی و پیوند درونی می یابد.

با این همه، تاریخ گذشته ملتها و ادیان نشان می دهد که این آموزه ها و باورها و جاذبه های بنیادین، با همه کارکرد و کارآیی خود، در بسیاری از موارد به دست فراموشی سپرده شده و نبردهای فاجعه آمیز میان پیروان ادیان و حتی فرقه های مختلف یک دین با یکدیگر صورت پذیرفته است و پیرو آن، واکنشهای انتقام جویانه، شدت یافته و فضا را بر باورهای نخستین که به مدارا و محبت به نوع انسان فرامی خواند و مشوق عواطف بود، تنگ کرده است.

اینکه چگونه از آموزه های انسان گرا و خیرخواه و معنویت فزای دینی، باورهای خشن و ستیزه جویانه شکل یافته و برآمده است، خود می تواند محور پژوهشی جداگانه باشد، اما به اجمال می توان به سه عامل اشاره داشت:

۱. اعتقاد به حقانیت مطلق یک دین و بطلان سایر ادیان

پیروان هر دین و آیین، به طور طبیعی دین برگزیده خود را نه تنها سرآمد سایر ادیان می دانند، بلکه برای آن حقانیت مطلق قائلند و به طور معمول سایر ادیان را فاقد آن حقانیت می دانند، چه اینکه اگر این حقانیت، صدق و نجات بخشی مطلق را باور نداشته باشند، نمی توانند در اعتقاد و باور، خود را تنها به یک دین پایبند بدانند.

حق شمردن خود و آیین خود به تنهایی، ناسازگاری را در پی ندارد، بلکه اعتقاد به گمراه بودن، منحرف بودن، نجات نیافتن، صادق نبودن و خرافی بودن سایر ادیان و پیروان ایشان، زمینه این حالت روحی را پدید می آورد که پیرو هر دین، پیروان سایر ادیان را با چشم حقارت و گمراهی و نگون بختی بنگرد و حاضر نباشد خویش را هم و زن و هم سخن ایشان به حساب آورد.

## ۲. باور به ضرورت تبلیغ و ترویج دین

بسیاری از ادیان به طور صریح یا به گونه ای غیرمستقیم این پیام را به پیروان خود منتقل می سازند که شرط نجات بخشی و دست یابی به سعادت پایدار، این است که هم خیر و خوبی و صدق و حق را برای خود بخواهند و هم برای دیگران. و چه حقی بالاتر از عقیده صحیح و نجات بخش است، پس مؤمن واقعی دوست دارد همه اهل ایمان باشند و اهل نجات شوند، و نه تنها دوست دارد که در این مسیر تلاش کند، بلکه اگر در این راه و در این تلاش صدمه و رنجی متحمل شود از مرتبه معنوی و پاداش بهتری برخوردار خواهد بود.

این باور خود به تنهایی چالش آفرین و خصومت زا نیست، بلکه زمانی به ناهمسازی میان پیروان ادیان گوناگون می انجامد که متدینان هر دین برای گسترش قلمروهای دینی خود به تبلیغ و ترویج و تبشیر بپردازند و مزایای آیین خود را در مقایسه با سایر ادیان برشمارند و ناگزیر به کاستیهای دیگر ادیان بپردازند. در چنین شرایطی است که پیروان سایر ادیان به مقابله استدلالی و بیانی روی می آورند و این گفت و گو به جدال و سرانجام به ستیز و درگیری کشیده می شود.

## ۳. بهره گیری از دین در جهت اهداف سیاسی و مادی

شایع ترین و معمول ترین عاملی که ظرفیتهای خیرخواهانه و انسان دوستانه ادیان را محتوایی سخت و انعطاف ناپذیر و گاه عناد ورزانه می دهد، استفاده ابزاری از دین در جهت تأمین مقاصد سیاسی، قومی، نژادی، منافع اقتصادی و فزون خواهی و اقتدارطلبی است.

جنبه آشکار این بهره وری ابزاری از دین، آنجاست که حکومتها و دولتها به رغم ناباوری به دین و لائیک منشی و سکولار اندیشی، لازم بدانند که در برخی زمینه ها احساسات دینی یک مجموعه را علیه سایر مجموعه ها و ادیان تهییج کنند و تضادها و ناهمسازی ها را تشدید نمایند تا مردم با انگیزه های دینی، به طور غیرمستقیم و ناآگاهانه از قلمرو سیاسی و اقتصادی آنان دفاع نمایند!

نمونه های این واقعیت در تاریخ جهان و نیز تاریخ اسلام فراوان است.

در دهه های اخیر شاهد خصومتی جان کاه از سوی صرب های ارتدوکس علیه مسلمانان بوسنی بوده ایم؛ با اینکه پیش از آن ارتدوکس ها رابطه خوبی با مسلمانان داشته اند. آنچه این رابطه مسالمت آمیز را تحت تأثیر قرار داد عبارت بود از فروپاشی کمونیسم و مسائل نژادی و سیاسی پس از جنگ بالکان.

نمونه دیگر این بهره‌گیری ابزاری را در شوروی سابق شاهد بوده ایم؛ زیرا اساساً حاکمیت کمونیست‌ها باعث تضعیف همه ادیان در آن سرزمین شد و استالین قبل از جنگ جهانی دوم بسیاری از روحانیون ادیان را کشت و یا تبعید نمود؛ ولی پس از حمله آلمان به شوروی، برای بهره‌گیری از احساسات مذهبی علیه آلمان‌ها، کلیسای ارتدوکس مجال فعالیت و رشد یافت و همین سبب شد تا کاتولیک‌ها، کلیسای ارتدوکس را به همکاری با رهبران رژیم کمونیستی متهم سازند.

استفاده صهیونیسم از پیروان آیین یهود برای دست‌یابی به مقاصد توسعه طلبانه و سلطه جویانه خود در خاورمیانه در این محاسبه جای می‌گیرد.

جنگهای صلیبی از شمار همین جنگها می‌تواند به شمار آید.

درگیری‌های مذاهب گوناگون در عصر عباسیان و اعصار بعد که یک طرف تخصص از سوی حکومت حمایت می‌شد در همین مقوله می‌گنجد.

#### راهبردهای قرآن در تعامل میان ادیان

میان عوامل سه‌گانه یادشده در ناهمسازی میان ادیان، دو عامل به محتوا و آموزه‌ها و توصیه‌های درون دینی باز می‌گردد و یک عامل - که عامل سوم باشد - بیرونی است که سعی می‌کند خود را به قلمرو معارف و توصیه‌های دینی نفوذ دهد و با پوشش درون دینی در منظر متدینان ظاهر شود.

نمی‌توان انکار کرد که چنین زمینه‌ای در رهنمودها و توصیه‌های قرآنی وجود دارد که متدینان و مسلمانان؛ اولاً حقانیت را در وحی قرآنی متبلور ببینند، ثانیاً تلاش در فراگیری اسلام و ایمان اسلامی را مأجور و دارای پاداش بزرگ شمارند، و ثالثاً میان دفاع از دین و قلمروهای جغرافیایی و کیان و استقلال و هویت اجتماعی ارتباطی وثیق بیابند و به هنگام ضرورت، احساسات دینی را در عرصه پاسداری از سرزمین و هویت‌های جمعی و فرهنگی به کار گیرند؛ ولی چنان که یاد شد هیچ یک از این زمینه‌ها و ظرفیتها به خودی خود منفی نیستند، بلکه در یک تحلیل، مثبت و ضروری نیز به شمار می‌آیند و نوعی کمال و واقع‌نگری برای دین محسوب می‌شوند.

موقعیت و کارکرد ظرفیت‌های یادشده در زندگی متدینانه، موقعیت و کارکرد عواطف و غرایز در زندگی انسان است؛ نوع دوستی، عشق، مهرورزی مادر، صلابت و شجاعت، علقه‌های خانوادگی و فامیلی، حق مالکیت، خود دوستی و منفعت جویی و... همه و همه از جمله اقتضاها و عناصری است که در زندگی انسانها پدیده‌های زیبا و شگفت‌ایثار، تلاش، خیرخواهی و عزت را رقم زده است و هم زیربنای عداوتها، رقابتها، فزون طلبی‌ها و تجاوزگری‌ها شده است.

یکی از کارکردها و رسالت‌های مهم ادیان و انتظاراتی که بشر از ادیان دارد همین است که اقتضاها و نیروهای ذخیره شده در وجود انسان، احساسها، عواطف و نیازهای او را به گونه‌ای سازماندهی و مدیریت کند که از لحظه لحظه زندگی متدینان، میوه‌های شیرین مودت، رأفت، مناعت، فداکاری و خیرخواهی و عزت و انسان دوستی به بار بنشیند و نه جز آن.

وحی آمده است تا بسازد، حیات بخشد، خوبها را از مرز خودخواهی به وسعت دگر دوستی گسترش دهد. اما از سوی دیگر برای اینکه مدعیان دینداری

از سرپناه آرامش و خلوت نیایش، خانه توطئه و محفل تجاوز شکل ندهند و ازجاذبه مهر و عطوفت، دام استثمار و استعمار نیافرینند و از شمشیر دفاع، سلاح طغیان نتراشند، چه تدبیری اندیشیده است؟

پاسخ به این پرسش، با توجه به ظرفیتهای و اقتضاهای همه ادیان، تحقیقی گسترده می طلبد، اما راهبرد و راهکارهای قرآنی در این زمینه شفاف و سخت شایان تأمل است. مجله پژوهشهای قرآنی، که بیشتر حجم پژوهشی هر شماره را به مطالعات موضوعی اختصاص داده است، در این شماره و شماره آینده، تبیین مناسبات قرآن و ادیان را وجهه همت خود قرار داده است؛ تا از این رهگذر به یکی از ضرورت های فرهنگی - اعتقادی - قرآنی عصر حاضر به میزان توان و امکانات پژوهشی و اطلاع رسانی خود پرداخته باشد. چنان که شاهد هستید، بخشی از این مهم در مقالات و پژوهشهای موضوعی مورد توجه قرار گرفته است و البته همه سخن این نیست.

نکته ها و نظرگاه هایی که در این سرمقاله بیان شد، بیش از آن که پاسخ و راهکار به شمار آید، طرح پرسش و راه گشای اندیشه و تحقیق بود، امید است بخشی از پاسخها از لابه لای مقالات موضوعی صید پژوهشیان شود، هر چند این قلم - به یاری حق متعال - مقوله «راهبردهای قرآنی در زمینه تعامل و گفتمان میان ادیان» را در شماره آینده پی خواهد گرفت.

#### سخنی در پایان

فصلنامه پژوهشهای قرآنی، همواره سعی داشته است تا وسع خویش را در ژرفا بخشیدن به مقالات و انتخاب موضوعات مهم تر و کاربردی تر به کار گیرد، و اینکه تا چه اندازه در این تلاش موفق بوده چیزی است که باید اهل نظر داوری کنند و البته تا آنجا که اظهارنظرها واصل شده، حکایت از توجه و لطف قرآن پژوهان به این مجموعه فرهنگی - قرآنی دارد؛ هر چند ساعیان این ساحت، همیشه پشتواره علمی و کوشش مطالعاتی خود را در آستان بلند کلام الهی ناچیز دانسته و امید دارند که بی کرانگی وسعت وحی، رشته باریک سعی ایشان را اعتبار بخشد.

مخاطبان آشنا و پیگیر «پژوهشهای قرآنی» چنان که شاهد بوده اند حجم مقالات موضوعی در هر شماره به گونه ای بوده که ناگزیر هر دو شماره در یک مجلد عرضه شده است، این روند هر چند امتیاز جامعیت نسبی مطالعات موضوعی را به همراه داشته، اما به هر حال فاصله انتشار میان هر مجلد برای نشریه ای که فصلنامه عنوان دارد چندان مناسب نبوده و نیست. از این رو همکاران پژوهشی با سرعت بخشیدن به فعالیت علمی خود بر آن هستند تا حد امکان به عنوان فصلنامه وفادار بوده و مخاطبان فرهیخته خود را به انتظار طولانی تر نسپارند.

افزون بر این، سعی شده است تا با گشودن سرفصل های جدید، تنوع بیشتری به مقالات و مقولات علمی - قرآنی داده شود و نشاط و پویایی در این رهگذر تقویت گردد.

فصلنامه پژوهشهای قرآنی، همچنان که گفت وگوی ادیان را امری بایسته دانسته و به ابعاد و راهکارهای آن اندیشیده است، تعامل و همکاری قرآن پژوهان را در اظهار نظر و گفت وگوی علمی و همکاری در ارائه مقالاتی محققانه تر و کاربردی تر ارج می نهد و انتظار دارد تا مخاطبان فرهیخته این نشریه با اظهار نظرها، نقدها و رهنمودهای خود جریان این تلاش علمی - قرآنی را تداوم بخشند.

از جمله موضوعاتی که در شماره های آینده به آن خواهیم پرداخت «حقوق انسان در قرآن» است که می تواند موضوعی حساس و پرسخن باشد و بدان جهت که نگاه به چنین موضوعی از منظر رشته ها مختلف علوم انسانی بایسته می نماید، از مقالات تخصصی که در ارتباط با «حقوق اساسی انسان»

بوده و مناسبات حقوق طبیعی، فطری و دینی را مورد توجه قرار داده باشد استقبال کرده بهره خواهیم برد.